



## الف) گسترش سازمان وکالت

## اشاره

یکی از روش‌ها و شیوه‌ها رهبری و هدایت جامعه آن روز تأسیس سازمان وکالت برای حفظ ارتباط امام (ع) با شیعیان در عصر خفقان خلفاء جور با وجود شیطنت گروه‌های متعدد اغواکننده و شبهه برانگیز بود.

سازمان وکالت که با تدبیرهای امام صادق (ع) تأسیس شده بود، برای انسجام شیعه بر محور امامت، توسط امام کاظم (ع) گسترش یافت. این تدبیر سبب شد تا امام کاظم (ع) با آن همه گرفتاری، جامعه شیعه را از شرایط پیچیده آن عصر به راحتی عبور دهد و با ظرفیت‌های جدیدتری شیعیان را رهبری

ائمه اطهار (ع) به لطف حق و مدد غیبی الهی و به زیباترین صورت ممکن، رسالت رسول مکرم اسلام (ص) را تداوم بخشیده و شیعیان خود را در کوران حوادث با مطمئن‌ترین روش‌ها و شیوه‌ها رهبری و هدایت نمودند. آن رهبران و هدایت‌گران حقیقت، با تیزبینی هوشمندانه، حتی حوادث آینده جامعه شیعه را پیش‌بینی کرده و تداوم امامت را با شیوه‌های مختلفی تثبیت نموده‌اند. در مقاله حاضر به مهم‌ترین این شیوه‌ها اشاره می‌کنیم:

نماید. به این جهت خلفاء عباسی که به زعم خود سیاست بازان ماهری بودند نتوانستند مکتب اهل بیت علیهم السلام را با طرح‌های شیطانی خود متزلزل نموده و مثل سایر مکتب‌ها و فرقه‌ها آن را از هم بپاشند.

آری امامان بعدی علیهم السلام هم با لحاظ نمودن مقتضیات عصر خود، با همین روش سازمان وکالت، با سهولت و دقت بیش‌تری در دورترین نقاط عالم اسلامی با پیروانشان مرتبط بوده و شیعیان نیز از طریق این شبکه ارتباطی مطمئن، توانستند نیازهای شرعی و دینی خود را مرتفع سازند. این تشکیلات که از نیمه دوم عصر امامت، یعنی از عصر امام صادق علیه السلام به بعد آغاز به کار نمود، رفته‌رفته دارای نظم و گستردگی و هماهنگی بیش‌تری شد تا آنجا که در بعضی اعصار هم چون عصر امامین عسکریین علیهم السلام و سپس در عصر غیبت، به اوج گسترش و انسجام رسید و غالب نقاط شیعه‌نشین آن زمان در عالم اسلامی را زیر پوشش قرار داد.<sup>۱</sup>

امام موسی بن جعفر علیه السلام با بهره‌گیری از سازمان وکالت در مناطق مختلف، افرادی را به عنوان وکیل تعیین کرد.<sup>۲</sup> در منابع به نام ۱۳ نفر از وکلای حضرت کاظم علیه السلام اشاره شده است.<sup>۳</sup> طبق برخی منابع، علی بن یقظین و مفضل بن عمر در کوفه، عبدالرحمان بن حجاج در بغداد، زیاد بن مروان در قندهار، عثمان بن عیسی در مصر، ابراهیم بن سلام در نیشابور و عبدالله بن جنبد در اهواز وکالت حضرت کاظم علیه السلام را برعهده داشتند.<sup>۴</sup>

این وکلا با شرایط خاصی، به عنوان وکیل و نماینده امام علیه السلام انتخاب می‌شدند، که از جمله آن شرایط می‌توان از عدالت و وثاقت، رازداری و نهران‌کاری، نظم، دقت، کاردانی و احتیاط یاد کرد. این وکلا وظائف مختلفی داشتند که شامل وظائف مالی، ارتباطی، علمی و ارشادی، سیاسی و مبارزاتی، اجتماعی و خدماتی، مقابله با منحرفان، نقش حفاظتی و نقش آماده‌سازی به دوران غیبت امام مهدی علیه السلام بود.

۲. الغیبة، صص ۶۴ - ۶۵.

۳. «امام کاظم و سازمان وکالت»، مجله تاریخ اسلام،

سال چهاردهم، ۱۳۹۲ش، ش ۱، ص ۱۶.

۴. سازمان وکالت، صص ۴۲۳ - ۵۹۹.

۱. سازمان وکالت، محمدرضا جباری، مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، قم، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۷.

غایب بودن امام کاظم علیه السلام - که سال‌ها در زندان و از چشم شیعیان دور بود - اصرار می‌کردند.<sup>۲</sup> مهم‌ترین انگیزه سران این گروه تصرف در اموالی بود که به نام رساندن به محضر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، از برخی ثروتمندان شیعه به عنوان وجوهات گرفته شده بودند و حاضر به تحویل این اموال به امام رضا علیه السلام نبودند.<sup>۳</sup> از جمله این افراد علی بن ابی حمزه بطنانی، زیاد بن مروان و عثمان بن عیسی، که امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام را نپذیرفته و در امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام توقف کردند.<sup>۴</sup>

### ب) نامه‌های رهگشا

نامه‌نگاری، شیوه دیگر رهبری آن

۲. از مهم‌ترین آثار واقفیه، کتاب الغیبه نوشته حسن بن محمد بن سماعه کوفی است. ابن سماعه یکی از معروف‌ترین سران واقفیه بود که تصنیفات خوبی داشته و در فقه نیز فرهیخته بود، وی در سال ۲۶۳ ه. ق درگذشت. او کتاب‌های متعددی نوشته بود، از آن جمله همین کتاب است که در موضوع غیبت می‌باشد. الفهرست، محمد بن حسن طوسی، نشر الفقاهه، قم، ۱۴۱۷ ق، ص ۹۶.

۳. در این زمینه در مقاله یونس بن عبدالرحمن یار امام کاظم علیه السلام، تالیف نگارنده (مجله کوثر، ش ۱۵، خرداد ۱۳۷۷ ش) مطالب بیش‌تری آمده است.

۴. الغیبه، محمد بن حسن طوسی، دارالمعارف، قم، ۱۴۱۱ ق، صص ۶۴ - ۶۵.

به‌عنوان مثال توسط همین سازمان وکالت، شیعیان وجوهات شرعی خود را به امام کاظم علیه السلام یا نمایندگان او می‌رساندند. در گزارش علی بن اسماعیل بن جعفر (برادرزاده امام کاظم علیه السلام) به هارون که منجر به زندانی شدن امام کاظم علیه السلام شد، آمده است: «مال‌های فراوانی از شرق و غرب برای او فرستاده می‌شود و دارای بیت‌المال و خزانه‌ای است که سکه‌های مختلف به حجم بسیار در آن یافت می‌شود».<sup>۱</sup>

پدید آمدن فرقه واقفیه در این زمان زنگ خطری برای سازمان وکالت بود و به نوعی موجب کمال و دقت در انتخاب وکلا را موجب شد.

بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام، رهبران واقفیه بخاطر منافع شخصی و دنیوی خود، شهادت امام کاظم علیه السلام را انکار کرده و آن بزرگوار را - با روش‌های مختلف - مهدی موعود معرفی نمودند. آن‌ها با همین ادعا، امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام را انکار نموده و بر امام

۱. حیات الامام موسی بن جعفر علیه السلام، باقر شریف قرشی، نشر اعتصام، قم، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۴۵۵.

حضرت و ارتباط آن گرامی با شیعیان بود که در مورد مسائل فقهی، اعتقادی، وعظ و دعا و مسائل مربوط به وکلانجام می‌گرفت. حتی نقل شده است که او از داخل زندان برای اصحاب خود نامه می‌نوشت و به مسائل آنان پاسخ می‌داد.<sup>۱</sup>

از امام موسی کاظم علیه السلام بیش از صد نامه در موضوعات مختلف و خطاب به افراد گوناگون بر جای مانده است که امروزه مورد استفاده ما قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup> با نقل یکی از این نامه‌ها این نوشتار را متبرک می‌کنیم.

امام هفتم علیه السلام برای حلّ مشکل یکی از شیعیانش به حاکم ری این نامه کوتاه را مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اَعْلَمُ أَنَّ لِلَّهِ تَحْتَ عَرْشِهِ ظِلًّا لَا يَسْكُنُهُ إِلَّا مَنْ أَسَدَىٰ إِلَىٰ أَخِيهِ مَعْرُوفًا أَوْ نَفْسَ عَنْهُ كُزْبَةً أَوْ أَدْخَلَ عَلَىٰ قَلْبِهِ سُرُورًا وَهَذَا أَحْوَكُ وَالسَّلَامُ؛<sup>۳</sup> آگاه باش، زیر عرش الهی سایه‌ای وجود دارد

که فقط سه طایفه در آن سکونت دارند، کسی که در حق برادر ایمانی خود خیر و نیکی انجام دهد، یا گرهی از مشکلات او بگشاید، یا سرور و شادی به قلب او وارد سازد؛ حامل نامه هم برادر توست، سلام و رحمت الهی بر شما باد».

آن شخص نامه را گرفت و پس از انجام فریضه حج، به وطن برگشت، شبانه به سراغ فرماندار رفت و جریان را به اطلاع او رساند. فرماندار با خوشحالی دست در گردن او انداخت و بوسه بر سر و چشم او زد، با اشتیاق نامه امام را گرفت و روی چشم خود گذاشت و به احترام آن بلند شد و تمام اموال خود را میان خود و او تقسیم نمود و قیمت اموال غیر منقول را نیز پرداخت و مرتب می‌گفت: يَا أَخِي هَلْ سَرَرْتُكَ؟ برادرم آیا تو را خوشحال ساختم؟ و مرد گرفتار می‌گفت: بلی به خدا خیلی بیش از حد مسرورم ساختی، سپس پرونده حساب او را در آورد و روی حساب او قلم گرفت و او را با خوشحالی مرخص نمود. مرد گرفتار عازم بیت‌الله‌الحرام گردید تا او را دعا کند و امام را در جریان کار خود قرار دهد. وقتی امام علیه السلام از اوضاع آگاه شدند بسیار خوشحال گردیدند. آن مرد

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۳۱۳.  
 ۲. مکاتیب الاثمه، ج ۴، ص ۳۴۹ به بعد.  
 ۳. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص: ۱۷۴. مکاتیب الاثمه، ج ۴، ص ۴۴۴. مکاتیب الامام موسی بن جعفر کاظم علیه السلام. نامه ۷۷.

مربوط دانسته و بران حضرت تطبیق نموده‌اند. از جمله:

الف) امام موسی کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛<sup>۲</sup> «می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گرچه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید».

می‌فرماید: «منظور از این آیه که خداوند نور خود را کامل خواهد گردانید، یعنی ولایت قائم علیه السلام».<sup>۳</sup>

ب) خدای متعال در سوره جن می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقْلَبُ عَدَدًا﴾؛<sup>۴</sup> «[باشد] تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدام یک شماره‌اش کم‌تر است». امام کاظم علیه السلام این آیه را این‌گونه تفسیر نمود: «منظور از این آیه امام زمان علیه السلام و یاران آن گرامی است».<sup>۵</sup>

ج) در مورد این آیه شریفه در سوره

پرسید: آیا این واقعه شما را خوشحال نمود؟ فرمودند: «إِي وَاللَّهِ لَقَدْ سَرَّنِي وَ سَرَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَاللَّهِ لَقَدْ سَرَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص وَ لَقَدْ سَرَّ اللَّهُ تَعَالَى؛<sup>۱</sup> به خدا قسم من و امیرالمؤمنین و جدم رسول الله را شاد ساخت و خدا متعال را نیز خشنود نمود.» امام علیه السلام با این نامه هم بین شیعیان الفت ایجاد نمودند، هم مشکل برادر ایمانی را حل کردند و هم حقوق شیعیان را به همدیگر یاد آوری فرمودند.

### ج. آماده کردن شیعیان برای عصر ظهور

شیوه دیگر رهبری و هدایت امام کاظم علیه السلام در عصر اختناق حکومت عباسیان، آماده کردن شیعیان برای عصر ظهور بود. آن حضرت در مورد مهدویت به پیروان خود نکات لازم را گوشزد می‌کردند تا از شبهات مطروحه در موضوع مهدویت و آینده امامت در امان بمانند. در ادامه به برخی از رهنمودها و اقدامات مهدوی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اشاره می‌کنیم:

### ۱. امام مهدی علیه السلام در قرآن

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برخی از آیات قرآن را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام

۲. صف / ۸.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

۴. جن / ۲۴.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۸، ص: ۱۷۴.

لقمان که می فرماید: «أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»؛<sup>۱</sup> «خدای متعال نعمت های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است». حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی نعمت باطنی را به امام غائب تفسیر کرده و فرمودند: «النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامِ الْغَائِبِ»؛ نعمت ظاهری همان امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب از نظر می باشد».<sup>۲</sup>

د) قرآن در سوره طه می فرماید: «كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى»؛<sup>۳</sup> «بگو: همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. که به زودی خواهید دانست که رهروان راه راست و ره یافتگان چه کسانی هستند؟».

امام کاظم علیه السلام در ضمن روایتی در تفسیر این آیه به نقل از پدر بزرگوارش فرمودند: منظور از «الصِّرَاطِ السَّوِيِّ»؛ راه میانه، حضرت قائم علیه السلام می باشد و مراد از «مَنِ اهْتَدَى» کسانی اند که به اطاعت

۱. لقمان / ۲۰.

۲. تفسیر نور الثقلین، عبد علی هویزی عروسی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ج ۴، ص ۲۱۲.

۳. طه / ۱۳۵.

حضرت مهدی علیه السلام هدایت شده اند. هدایت مربوط به کسی است که به طاعت او راه یافته باشد».<sup>۴</sup>

## ۲. تولد امام زمان علیه السلام

بنا به عللی حضرت عسکری علیه السلام سعی می نمود تا دشمنان از تولد حضرت مهدی علیه السلام خبردار نشوند به این جهت عده ای سعی نمودند تا تولد حضرت مهدی علیه السلام را خواسته یا نا خواسته نفی کنند. امام کاظم علیه السلام قرن ها قبل، از پندار باطل این گروه خبر داده است. عباس بن عامر قصبانی می گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ يَقُولُ النَّاسُ لَمْ يُوَلِّدْ بَعْدَ»؛ صاحب این امر کسی است که مردم می گویند هنوز متولد نشده است». در مورد تولد حضرت مهدی علیه السلام دلائل، شواهد و قرائن روایی و تاریخی، فراوانی وجود دارد و افراد موثق متعددی آن گرامی

۴. تأویل الآیات الظاهره، علی استرآبادی، نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۷۹۲؛ اللوامع النورانیة فی اسماء علی و اهل بینه القرآنیة، سیدهاشم بحرانی، نشر مرتضویه، قم، ۱۴۲۹ق، ص ۳۸۵.

۵. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۹ق، ج ۲، ص ۳۶۰.

هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ائْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ لَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَ أَجْدَادُكُمْ دِيناً أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَاتَّبَعُوهُ؛<sup>۲</sup>

حضرت صاحب الامر غیبتی دارد که حتی معتقدین به امامت هم از آن برمی‌گردند، همانا امر غیبت یک آزمایشی است از جانب خدای عزوجل که خلقتش را به وسیله آن بیازماید، مطمئناً اگر پدران و اجداد شما (امامان و پیغمبران پیشین) دینی درست‌تر از این دین سراغ داشتند، از آن پیروی می‌کردند (پس اگر دیگران بخاطر طولانی شدن غیبت امام عصر علیهما السلام از دین برگشتند شماها ثابت و استوار در این مسیر بمانید و هرگز تردید نکنید)».

در کلام دیگری فرمودند: «لَهُ غَيْبَةٌ يُطُولُ أَمْدَهَا خَوْفاً عَلَى نَفْسِهِ يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ؛<sup>۳</sup> او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر نفس خود می‌هراسد و اقوامی در آن غیبت مرتد شده و اقوامی دیگر در آن ثابت قدم خواهند بود».

#### ۴. یقینی بودن ظهور

ابن اسباط از امام کاظم علیهما السلام پرسید:

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۳. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، علی بن محمد خراز قمی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق، ص ۲۷۰.

را زیارت نموده‌اند که یکی از آن‌ها جناب احمد بن اسحاق قمی است.<sup>۱</sup>

#### ۳. آزمون غیبت

به طور یقین دوران غیبت امام مهدی علیهما السلام دوران آزمون سخت شیعیان است و ثابت قدم ماندن در مسیر امامت و ولایت امر آسانی نیست. به این جهت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴. شیخ صدوق علیه السلام می‌نویسد: «احمد بن اسحاق روزی از امام عسکری علیهما السلام پرسید: یا بن رسول الله! حجت خدا بعد از شما کیست؟ حضرت به درون خانه رفت و لحظه‌ای بعد کودکی سه ساله را که رخسارش همچون ماه شب چهارده می‌درخشید، در آغوش گرفته، بیرون آورد و فرمودند: ای احمد بن اسحاق! اگر در نزد خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام مقامی ولانداستی، فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم، این کودک هم نام و هم کنیه رسول خدا ﷺ است و همین کودک است که زمین را بعد از آنکه از ظلم پُر شد پُر از عدل خواهد کرد. ای احمد بن اسحاق! فرزندم همانند خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند او غیبتی خواهد داشت و در زمان غیبت غیر از شیعیان ثابت قدم و دعاکنندگان در تعجیل فرجش کسی اهل نجات نخواهد بود. احمد از امام علیهما السلام پرسید: سرورم! آیا نشانه‌ای هست که مطمئن شوم این کودک همان قائم آل محمد ﷺ است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود، گفت: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَنَقِّمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثَرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛ من آخرین حجت خدا بر روی زمین‌ام و از دشمنان او انتقام خواهم گرفت. ای احمد وقتی حقیقت را با چشم خود دیدی، دیگر نشانه‌ای نخواه».



«فدایت شوم! از امام زین العابدین علیه السلام برایم نقل کرده اند که: قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، در سالی که مردم جمع می شوند، (یعنی یاران امام مهدی علیه السلام، در مگه جمع می شوند) ظهور می کند. امام کاظم علیه السلام سؤال کردند: قائم، بدون وقوع شورش سفیانی<sup>۱</sup> قیام می کند؟! قیام قائم، از امور

۱. خروج سفیانی قبل از ظهور امام زمان علیه السلام، از علائم ظهور بوده و او از دشمنان سرسخت امام می باشد. امام باقر علیه السلام، درباره ویژگی های این دشمن لجوج حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «اگر سفیانی را مشاهده کنی، در واقع پلیدترین مردم را دیده ای. وی دارای رنگی بور، سرخ و کبود است. هرگز سر به بندگی خدا فرود نیاورده و مکه و مدینه را ندیده است»، و نیز آن حضرت فرمودند: «سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابوسفیان است». علاوه مجلسی رحمته الله علیه از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که سفیانی مردی است، چهار شانه و بدقیافه که صورت رعب انگیزی دارد. دارای سری بزرگ است و بر صورت او آثار آبله بر جای مانده است. وقتی او را ببینی، می پنداری که او یک چشم دارد، نامش عثمان و پدرش عنبسه است و از فرزندان ابوسفیان می باشد». روایات بسیاری درباره سفیانی وارد شده که او را به نفاق، بد سرشتی و دشمنی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه با حضرت مهدی علیه السلام معرفی می کنند. در روایت «ابی قبیل» آمده است: «سفیانی بدترین فرمانروایی است که ظهور کرده است. او از دانشمندان، علماء و اهل فضل برای رسیدن به مقاصد شیطانی خود یاری می خواهد و هرکس امتناع ورزد، او را به قتل می رساند». امام علی علیه السلام در مورد اعمال ضد انسانی سفیانی فرمودند: «بدا به حال کوفه! سفیانی چه جنایاتی در آن انجام می دهد! به حریم شما تجاوز می کند، کودکان شما را سر می برد و ناموس شما را

حتمی الهی است و کار سفیانی نیز از امور حتمی الهی است و قیام کننده ای نداریم، جز آنکه پیش از او سفیانی را داریم».<sup>۲</sup>

### ۵. هشدار به متدینین

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: «إِذَا فُقِدَ الْحَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلُكُمْ عَنْهَا أَحَدٌ؛<sup>۳</sup> هرگاه پنجمین فرزند هفتمین (امام) غائب شود، خدا را، خدا را، نسبت به دینتان مواظب باشید، مبادا کسی شما را از دینتان جدا کند».

امام کاظم علیه السلام با درایت ویژه ای که داشتند به خطرات دینداری در عصر غیبت هشدار می دهند. هم چنان که خود شاهدیم چه شبهات فریبنده و

هتك می کند».

۲. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۴.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶. علامه مجلسی در شرح این سخن امام کاظم علیه السلام می نویسد: «مراد از هفتمین، خود آن حضرت و مراد به فرزند پنجم، حضرت صاحب الامر علیه السلام است و گویا تعبیر به این جمله، تعریض به طایفه واقفیه است که امام هفتم را صاحب غیبت می دانند و به پنج امام بعد از وی معتقد نیستند». مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۴.



هجمه‌های سنگینی به باورهای شیعیان رخ می‌دهد که گاهی موجب تردید متدینین می‌شود چه رسد به دیگران.

## ۶. حضرت قائم شماست؟

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: «به محضر امام موسی کاظم علیه السلام شرفیاب شدم و به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! شما قیام‌کننده به حق هستی؟ فرمودند: أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُظَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي؛ من قیام‌کننده به حق هستم؛ اما قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می‌کند و آن را از عدالت پر می‌کند، همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است، نسل پنجم از فرزندان من است».

## ۷. نشانه‌های امام غائب علیه السلام

ابو‌احمد محمد بن زیاد ازدی از محضر امام کاظم علیه السلام در مورد امام غائب علیه السلام پرسید. حضرت فرمودند: «نَعَمْ، يَغِيبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ، وَلَا يَغِيبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ، وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِثًا، يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ، وَيُذِلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ، وَيُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ، وَيُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ، وَيُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ

عَبِيدٍ، وَيُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وِلَادَتُهُ، وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظَهِّرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ آری، وجودش از دیدگان مردم، ناپیدا می‌شود؛ اما یادش از دل‌های مؤمنان نمی‌رود، و او دوازدهمین امام از ما [اهل بیت علیهم السلام] است. خدا هر سختی‌ای را برایش آسان می‌کند، و هر مانعی را در برابرش رام می‌سازد، و گنج‌های زمین را برایش آشکار می‌نماید، و هر دوری را برایش نزدیک می‌آورد، و هر جبار سرکشی را به وسیله او نابود می‌کند، و هر شیطان رانده شده‌ای را به دست او هلاک می‌کند. او فرزند سرور کنیزان است که ولادتش بر مردم، پنهان می‌ماند و نام بردن او بر آنان روا نیست<sup>۲</sup> تا آنکه خدای

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۷۶.

۲. طبق این حدیث - که به خطرات زمان غیبت صغری مربوط است - بردن نام اصلی حضرت مهدی علیه السلام روا نیست. هر کجا ناگزیر بودند، آن را تقطیع نموده و این چنین: (م. ح. م. د) می‌نوشتند. ولی در زمان ما بردن نام مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مانعی ندارد. البته شیخ حر عاملی، صاحب وسائل الشیعة در کتابی به نام: «کشف التعمیه فی حکم التسمیة» - در مقابل کسانی که به طور مطلق نام بردن را

عزوجل او را آشکار سازد و زمین را از عدل و داد پُر کند».

#### ۸. منتقم مظلومان

هنگامی که داود بن کثیر رقی در مورد اوصاف حضرت صاحب الامر علیه السلام از امام کاظم علیه السلام پرسید. حضرت در پاسخ فرمودند: «هُوَ الظَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمُتَوَتُّرُ بِأَيِّهِ علیه السلام؛ آن آقای در حاشیه مانده تنهای غریب، غائب از دیدگان خاندانش و خون خواه پدرش می باشد».

موتور به کسی گفته می شود که انتقام خون به ناحق ریخته اش گرفته نشده است. به امام حسین علیه السلام: هم «الوتر المتوتور» گفته می شود چون هنوز انتقام خورش مطهرش مانده است. به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نیز «الموتور» اطلاق می شود؛ زیرا هنوز خون پدران بزرگوارش؛ امیرمؤمنان، امام حسن، امام حسین و امامان بعدی تا امام حسن عسکری علیه السلام را نگرفته است، او هنوز انتقام مادر بزرگوارش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را

نگرفته است، امام زمان علیه السلام خون خواه پدران گرامش می باشد که طبق روایات هنگام ظهور خواهد گرفت.<sup>۲</sup> امام حسین علیه السلام به عیسی خشاب که از اوصاف حضرت مهدی علیه السلام می پرسید، در مورد این ویژگی امام زمان علیه السلام فرمودند: «صاحب الامر الطريد الشريد المتوتور بایه المکتی بعمه»<sup>۳</sup> حضرت صاحب الامر علیه السلام آن رانده شده تنها، بعد از ظهور به خون خواهی پدرش قیام می کند و با کنیه عمویش خوانده می شود.»

#### ۹. ویژگی های منتظران واقعی

امام کاظم علیه السلام در مورد ویژگی های منتظران واقعی و شیعیان مؤفق در زمان غیبت فرمودند: «طوبى لشیعتنا، المتمسکین بحبلنا في غيبة قائمنا، الثابتين على مواليتنا والبراءة من أعدائنا، اولئك منا ونحن منهم، قد رضوا بنا أئمة، ورضينا بهم شيعة، فطوبى لهم، ثم طوبى لهم، وهم والله معنا في درجاتنا يوم القيامة»<sup>۴</sup> خوشا به حال شیعیان ما، که در زمان غیبت قائم

۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۴.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۸.

۴. کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۷۰.

جائز نمی دانند - تصریح به نام آن حضرت را در هر شرایط، جائز می داند.

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۱.

وَسَطِ الطَّرِيقِ فَأَصَابَهُ عَيْبٌ فَلَا دِيَّةَ لَهُ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم ما قیام کند، می فرماید: ای سوارگان در میانه راه! حرکت کنید. ای پیادگان در دو کناره راه! حرکت کنید. هر سواری از دو کناره راه حرکت کند و صدمه‌ای به کسی بزند، دیه‌اش را برعهده او می‌نهییم و هر پیاده‌ای در میانه راه حرکت کند و آسیبی ببیند، دیه‌ای ندارد».

این حدیث یکی اعجازهای امام کاظم علیه السلام به شمار می‌آید؛ چراکه در عصر آن گرمی بحث شهر و ترافیک و خیابان‌های وسیع و جرمه به این گستردگی متصور نبود.

#### ۱۱. دعا برای فرج امام مهدی علیه السلام

از دیگر روش‌های امام کاظم علیه السلام برای شناخت حضرت مهدی علیه السلام دعاهای آن گرمی در مورد امام زمان علیه السلام است. دعا برای وجود امام مهدی علیه السلام، دعا برای فرج، برای مؤفقیت دولت مهدوی علیه السلام از مضامین این دعاهاست. برای تیمن و اختصار فقط دو مورد را یادآور می‌شویم:

ما علیه السلام به رشته ولایت ما چنگ می‌زنند و بر موالات ما ثابت و استوار و در برائت و بی‌زاری از دشمنان ما پابرجا و محکم می‌مانند. آن‌ها از ما آیند و ما از آن‌ها می‌آیم. آن‌ها ما را به امامت برگزیده‌اند و به پیشوایی ما راضی هستند و ما آن‌ها را به عنوان شیعه خود برگزیده‌ایم و به عنوان شیعه خویش پسندیده‌ایم. خوشا به حال آن‌ها، باز هم خوشا به حال آن‌ها، به خدا سوگند آن‌ها در روز قیامت با ما و در کنار ما هستند».

#### ۱۰. بخش نامه دولت کریمه امام زمان علیه السلام

در زمان حکومت امام زمان علیه السلام قوانین به طور کامل انسانی و عادلانه - که همه آرزوی تحققش را دارند - بر جامعه حکم فرما خواهد شد. اما کسانی که قوانین حکومتی حضرت ولی عصر علیه السلام را رعایت نکنند بی‌تردید مجریان قانون در عصر دولت کریمه مهدوی، آنان را، جرمه خواهند کرد. در این زمینه امام کاظم علیه السلام فرمودند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا علیه السلام، قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْفُرْسَانِ، سِيرُوا فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ، يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ، سِيرُوا عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ، فَإِنَّمَا فَارِسٌ أَخَذَ عَلَى جَنْبِي الطَّرِيقِ فَأَصَابَ رَجُلًا عَيْبٌ الزَّمَانُ الدِّيَّةَ، وَإِنَّمَا رَجُلٌ أَخَذَ فِي

۱. تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۳۱۴، ح ۱۱۶۹.

الف) امام کاظم علیه السلام در دعای تعقیبات بعد از نماز عصر، می فرماید: «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ؛ از تو به اسم پوشیده و در گنجینه که زنده و برپا دارنده ات که هرکسی تو را به آن بخواند محروم نمی گردد، درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده از دشمنانت تعجیل کرده و به وعده ای که به او داده ای وفا نمایی»<sup>۱</sup>.

ب. بعد از نماز جعفر طیار هم، حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام این گونه امام زمان علیه السلام را دعا می کرد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنَارِكَ فِي عِبَادِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الْمُؤَدِّي عَنِ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، وَسُقْ إِلَيْهِ أَصْحَابَهُ، وَانصُرْهُ وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَجَدِّدْ بِهِ عَن

مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ...؛ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي غَيَّرَ وَبَدَّلَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَبَدَّلَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛<sup>۲</sup> خدایا! درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و بر آنکه نشانه ات در میان بندگان و با اجازه تو، به سوی تو فرامی خواند و فرمان تو را برپا می دارد و از جانب پیامبرت که بر او و خاندانش درود باد انجام وظیفه می کند. خداوند! هرگاه آشکارش نمودی، وعده ای را که به او داده ای، تحقق بخش و یارانش را به سوی او روان کن، او را یاری ده و یارانش را نیرو بخش، او را به بزرگ ترین آرزویش برسان و خواسته اش را به او عطا کن و به واسطه او، محمد و خاندانش را ... دوباره نیرو و عزت بخش. بار خدایا! به ظهور قائم آنان، که برپا دارنده فرمان توست شتاب بخش و او را یاری ده و به واسطه او، دینت را که در آن تغییر و تحوّل داده اند، مدد کن و به واسطه او، هر بخشی از دینت را که پس از پیامبرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ محو یا جایگزین شده است، از نو احیاء گردان!».

۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، محمد بن الحسن طوسی، مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۴.

۲. جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی بن طاووس، نشر رضی، قم، ۱۳۳۰ق، ص ۲۹۱.